

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۵ جون ۲۰۱۴

«امر الله صالح»،

چوچه سگی که علیه هستی افغان و افغانستان پارس می کند!

تا زمانی که «امر الله صالح» رئیس «امنیت ملی» بود هم چو پاپیگی برای شاه شجاع «کرزی» دم تکان می داد و اما زمانی که از وظیفه اش نظر به بی کفایتی و دزدی سبکدوش گردید، بعد از یک سکوت نسبی عوعو و عف و جف زدن را علیه دولتی آغاز کرد که خود رئیس جاسوسی اش بود؟!

«امر الله صالح» تحت فرمان مسعود جلاد در سال های ۱۹۹۶-۱۹۹۲ در کشتن کابلیان، ویرانی کابل، چور و چپاول سرمایه های دولتی و اموال مردم کابل نقش ضد ملی و ضد انسانی اش را ایفاء داشته است و دستان کثیف این پتیاره هار و بی عار با خون کابلیان رنگین می باشد. امروز شاهد زندگی فرعون و به دوران رسیده مرغ دزدی می باشیم که بالای گنج قارون نشسته است و از طریق «مهمان یار» زرق و برق ثروتش را در شرایطی از طریق تلویزیون «طلوع» به نمایش می گذارد که اکثریت خلق های افغانستان در محرومیت تام با فقر عریان دست و پنجه نرم می دارند!

پارینه سال باندی را تحت عنوان «روند سبز» با تقلید میمونوار از ایرانی های وابسته به غربی ها بنیاد گذاشت و کمپاین های نوع غربی را در کشوری که نود فیصد بی سواد، بیشتر از یازده میلیون بیکار و بیشتر از یک میلیون معطاط مواد مخدر دارد و ۹۰٪ باشندگانش در زیر خط فقر زندگی دارند، به راه انداخت و جوانان و نوجوانان پنجسیری را سبز پوش ساخت و به مثابه امتعه بی ارزش در بازار آشفته سیاسی و اجتماعی کشور به میدان کشیده در معرض نمایش قرار داد و اما خریداری نیافت. معلوم نیست که پول خرچ نمایشات مسخره و این همه کش و فکش های این جاسوس سبکسر، خیره سر، شیاد و کودن از کدام منبع تأمین و تمویل می گردد؟ همه می دانیم که وی روزگاری را در دکان بقالی فردی در «سمنگان» گذرانده بود!

«امر الله صالح» این شرفباخته فرصت طلب و لجام گسیخته بیمار، چندی قبل یعنی قبل از برگزاری «انتخابات» دور اول، ظاهراً وحدت بین الافغانی را نشخوار کرد و یک سلسله انتقاداتی را غیر مستقیم متوجه «عبدالله عبدالله» ساخت و مدعی گشت که تیم «عبدالله عبدالله» حامل وحدت ملی نمی باشد. وی با اغواگری و عوامفریبی جنگ لفظی و سگ جنگی را با قهرمان میخ کوبی بر فرق انسان، «محمد محقق» به راه انداخت و تا که توانست سیر و پودینه و جل و پوستک «محقق» و ارتباطات وی را با ایران و پاکستان در محضر عام بیرون کشید، ا فشاء و رسوا ساخت. در میان این میمون بازی ها و شعبده بازی ها ادعا کرد که عنقریب با تیم متفکر بی مغز «اشرف غنی» می پیوندند و در ادامه

سخنانش خاطر نشان ساخت که این تیم می تواند توسط پشتون های هر دو طرف خط تحمیلی (دیورند) به موجودیت «پاکستان» آسیب برساند و پایه و اساس «پاکستان» را زیر سؤال برده و ضربت وارد سازد، زیرا پشتون ها هیچ گاهی خط تحمیلی (دیورند) را به رسمیت نخواهند شناخت و همیشه خواهان آن اند تا خاک های از دست رفته کشور را دو باره به قلمرو تاریخی افغانستان ملحق گردانند و هم چنان پشتون ها هیچ گاهی حاکمیت پنجابی ها را بالای مقررات و سرنوشت شان قبول ندارند. وی افزود که تیم «عبدالله عبدالله» حامل چنین پیامی نیست و اگر این تیم در «انتخابات» پیروز گردد خط تحمیلی (دیورند) را با پاکستان به امضاء می رساند و..... و. اما چند روزی از صحبت های پر از طمطراق این عجزه روانپزش و اعجوبه مفلوک، لافوک و شیاد سپری نشده بود، طی اطلاعیه اعلام نمود: که «روند سبز» دارای پنجاه هزار عضو و ۵۰۰ حوزه بوده و هر حوزه دارای رهبر می باشد که در تصمیمات شان خود مختار و آزاد اند. در اطلاعیه آمده است که از ۵۰۰ حوزه تنها ۱۰ حوزه موافقت کرده اند که با «اشرف غنی» ببیوندند و اما ۴۹۰ حوزه مخالفت شدید شان را نشان داده اند و خواهان پیوستن به تیم «عبدالله عبدالله» می باشند. قرار احصائیه نفوس ولسوالی «پنجشیر» مربوط «پروان» بزرگ به ۱۲۰،۰۰۰ تخمین زده شده است. اگر نفوس «پنجشیر» را بین طرفداران مارشال شلغم بینی متوفی و یا مردار شده، فهیم، قانونی فاشیست، عبدالله عبدالله خاین، ضیاء و ولی مسعود دزد به استثنای بسم الله محمدی و..... تقسیم نمائیم برای هر کدام ۲۰،۰۰۰ نفر می رسد. پس معلوم نیست که چرا «امراالله نا صالح» لولو و تشنه قدرت با لافزنی، گزافه گوئی و دروغگوئی از کاه، کوه نشان می دهد تا سگانی از قماش خودش را بفریبند؟!!

«امراالله نا صالح» بالاخره بعد از رگ گلو کشیدن ها، انتقاد کردن ها، افشاء سازی ها و عفو و جف زدن های زیاد ظاهراً علیه باداران پاکستانی، ایرانی، شورای نظاری و متحد دیرینه اش «محقق»، بدون ذره ای شرم و حیاء؛ در پهلوی «عبدالله عبدالله» و «محمد محقق» ایستاد و برای آنان تبلیغات و کمپاین های «انتخاباتی» را آغاز نمود. آخر الامر «انتخابات» پر از دستکاری و پر از تقلب اولی به دوره دوم رفت و دوره دوم پر از تقلب تر از دوره اول بود. از قرائن و شواهد مشهود است که تیم (وحدت- کلم جمع- افغان ملت) تحت رهبری نابغه بی نبوغ، «اشرف غنی» بیشتر از حریفان (وحدتی- گلبدینی- شورای نظاری) شان تقلب بیشتر نموده و به همان دلیل در صدر جدول قرار گرفته اند. به عکس تیم تقلب کار (وحدتی- گلبدینی- شورای نظاری) مغلوب شدن شان را بیشتر از اعلام نتایج دوره دوم «انتخاباتی» حس کرده و یک باره زنجیر ها را گسیختند، پوز بند ها را دریدند و هم چو سگان هار به تهدید آغاز و در خیابان ها ریختند، به موثر های تکسی زحمتکشان آسیب های جدی رسانیدند و مردم عادی را لت و کوب نمودند، چهارراهی را که سد کردند همان روز دو فامیل را که عروسی داشتند و به صوب هوتل در حرکت بودند، در محاصره کشیدند و به آزار و اذیت عروس ها و دوشیزگان پرداختند. البته «امراالله نا صالح» و «عبدالله عبدالله» از مارش میلیونی دهان نجس شان را گشوده بودند و اما ۱۰۰ نفر لند غر و اوباش و چند نفر پودری های زیر پل دریای کابل را به مثابه سیاهی لشکر به نمایش گذاشتند که عکس های شان در فیسبوک به نشر رسید.

«فشار» های نمایشی این سناریوی مسخره و انجیری شده به بازیگری «عبدالله عبدالله» و لنده غران و پودری های شورای نظاری اش باعث آن گشت که روباه گلبدینی «ضیاء الحق امر خیل» به امر سناریو نویس پشت پرده «کرزی»، استعفاء بدهد. «ضیاء الحق امر خیل»، روباه گلبدینی از وزوز موش ها ترسید و استعفاء داد. رئیس دارلانشای کمیسیون «انتخابات» افغانستان، ظاهراً بنابر «فشار» های «عبدالله عبدالله» و جاسوس های شورای نظاری اش به بهانه اعتماد سازی و بیرون کشیدن روند «انتخابات» از بن بست، از سمت خود در این کمیسیون استعفاء کرد و با استعفاء نمودنش ثابت ساخت که یک روباه بیش نبود. سنگ دزدان و سنگ فروشان فاشیست، آدمکش و وطنفروش، وی را به تقلب نمودن در «انتخابات» متهم ساختند و خواهان برکناری اش شدند. «ضیاء الحق امر خیل»، اتهامات وارده شده را از

جانب نسل روسپیان و فواحش دوره گرد رد نمود و ظاهراً از بی گناهی اش شدیداً به دفاع برخاست. «فشار» های «عبدالله عبدالله» و جیره خواران لنده غر و اوباش شورای نظاری اش، روباه گلبدنی را مجبور به استعفاء ساخت. بناءً از عمق قضایا پیداست که «ضیاء الحق امرخیل» همانند برادران جهادی شورای نظاری، وحدتی، جنبشی و..... اش در بدل اخذ پول هنگفت دست به تقلب گسترده ای زده است؛ اگر چنان نمی بود و واقعاً به حق می بود می بایست به خاطر اثبات حقانیتش پای می فشرد و هرگز تسلیم خواست های «عبدالله عبدالله» و وطنفروش های شورای نظاری اش و یا پیشنهاد «کرزی» و... نمی شد و ایستادگی می کرد.

البته در اینجا از آوردن نوشته های تفرقه افکنانه، خاینانه این جاسوس که در هر سطر آن به گفته سعدی خطای صریحی وجود دارد صرف نظر می نمایم زیرا گذشته از محتوای خاینانه آن نوشته ها، از هفته گذشته تا به حال به صد ها غلطی املائی، انشائی و گرامری این بوزینه قرتکی و فرتکی را اصلاح نموده ام. در واقعیت امر این ناخلف چشمپاره سر های «انجنیر» صادق علی «ظفر» رهبر مایوسان لولو و بچه بی ریشان پیرم قل، «سازمان کارگران م ل م» را خاریده و گوی سبقت و بی ناموسی و چشم سفیدی را از آنان ربوده است.

هموطن درد مند و انسان های شریف مرز های کهن افغان زمین!

چرندیات، لجنپراگنی ها، لاطانات و گویا اخطاریه « غلام امرالله صالح» را هرگاه از نظر بگذرانید هم کرکتر شیطانی، غیرملی و خاینانه این موجود سفله و بی سواد نادان را خواهید دید، و هم از عملکرد های ننگین و شرم آور این وطن فروش و حقه باز حرفه ئی در سال های خون و آتش ۱۹۹۶-۱۹۹۲ میلادی آگاهی کامل پیدا خواهید نمود؛ بناءً در این برهه تاریخ افشاء گری های این قلم با ارائه سند که مبین واقعیت های دردناک و بدون خدشه می باشد، با شیوه واقعبینانه و آشکار باید ادامه یابد که برای هموطنان عزیز یک منبع موجز و اما موثق شناسائی این خردجال محیل و سفله و دیگر شورای نظاری های شمشیری و لنده غرش می باشد.

نوشته های « امرالله صالح» به طور مشخص ضد و نقیض بوده و تعداد زیادی از مردم به شعبده بازی های نا فرجام این زشت سیرت زمخت پی برده اند و می دانند که تمام این چال ها ، نیرنگبازی ها، مکارگی ها، «وطن دوست نمائی ها»، «مبارزه مدنی ها»، «ملی گرائی ها» و همه و همه بخاطر «رسیدن» به «ارگ» و تحمیل فاشیزم عریان سیاست های ضد انسانی شورای نظار و اخوانیت بالای اکثریت قاطبه این ملت رنجور و ستمکش می باشد و بس. این که هنوز « غلام امرالله صالح» از مبارزه مدنی و دوست داشتن افغانستان دم می زند، در حین حال همکاسه های لنده غر و اوباش «شورای نظاری» اش با کلاشنیکوف AK-47 و لندکروز و بیرق ارتجاعی نوع ایرانی در چهاراهی بالای موترش نشسته و منتظر دستور است که بکشد. از یکسو می نالند که به مدنیت رو آورده اند و «قانون اساسی» دولت مزدور افغانستان را قبول دارند و مطابق بدان عمل می کنند. از جانب دیگر سلاح به دوش و (دولت در دولت) تشکیل داده و علیه «قانون اساسی» که خود تدوین و نافذ نموده اند ترمز کرده و چنگ و دندان برای سگ جنگی ۲- نشان می دهند؟!

<https://fbcdn-photos-b-a.akamaihd.net/hphotos-ak-xfp1/t1.0->

[0/10461963_718203014909263_489852643008555817_s.jpg](https://fbcdn-photos-b-a.akamaihd.net/hphotos-ak-xfp1/t1.0-0/10461963_718203014909263_489852643008555817_s.jpg)

سخن امروزی « امرالله نا صالح» که هم چو سگ بد بو عف و عف می زند و تهدید می دارد که: " تهداب وطن خویش را آسیب می رسانیم!؛ حرف دل و یکی از آرزوی های دیرینه شورای نظاری های وطنفروش می باشد. این که وی چرا این طور گستاخانه از تهدید بی ناموسانه به شکل عریان سخن می زند ، بدون شک و شبهه سخنان این طوطی بی دم از جانب «عبدالله عبدالله» دیکته شده است. از این تهدید می توان سه نوع تعبیر کرد: یک، تجزیه کشور. دوم، امکانات زیاد دارد که روسیه این غلامان وفادارش را با سلاح های پیشرفته تجهیز کرده باشد و همین مسأله باعث آن

شده است که تحت عناوین و بهانه های مختلف می خواهند دست به جنگ و تخریب بزنند. سوم، به همه معلوم است که نسل روسپیان و حرامزادگان و زنازادگان تاریخ دیگر توان سال های سگ جنگی را نداشته، از نگاه نظامی و همچنان روحیه نهایت ضعیف گشته اند و روی همین علت است که با لاف و پتاق زدن بسنده نموده، بچه ترسانک را شروع کرده اند تا از پاده های غلامان لنده غر پهلوان پنبه ها به نمایش بگذارند و شرایط رعب و وحشت را در میان توده ها به وجود بیاورند. من روی تعبیر سوم پا می فشارم و هم چنان تهدید های خاینانه را نیز جدی تلقی می نمایم، زیرا که غلامان در پهلوی روس ها از طرف ایران، «واواک» و پاکستان و «آی اس آی» کمک مالی و تسلیحاتی و معنوی می شوند و اسناد زیاد به دست آمده است که «آی اس آی» در انتخابات دوره اول و دوره دوم اطلاعات سری و جدی را در اختیار شان قرار داده است.

امروز دشمن قطعی و خونی افغان زمین خود فریاد سر داده است که اگر مردم این پاده های خران کور مغز را به «ارگ» رهنمائی نکنند، می کشند و تخریب می کنند و کشور تاریخی مان را تجزیه می نمایند. پس دشمن غدار معلوم است و از پشتیبانی قاطع اکثریت توده ها نیز محروم می باشند و در حدود چند هزار قلاده خر و سگ اند.

مردم باید بدانند چه غلام بچگان قوم پرست با متحدین جنایتکار شان تحت رهبری «عبدالله عبدالله» و چه «افغان ملت» های فاشیست تحت رهبری «اشرف غنی» با حواریون و متحدان خاین و وطنفروش شان بر مسند قدرت سیاسی تکیه زنند، هیچ گونه تغییربنیادی برای تعالی کشور و آسایش مردم در جامعه رونما نخواهد شد و مجرمان جنگی و خاینان ملی بر سرنوشت شان هم چو سیزده سال پیشینه، رقم خواهند زد.

اگر یک بار دیگر مردم جرأت بخرچ دهند و اراده سلاح بر شانه کشیدن را کنند و به مصاف چند هزار خاین، وطنفروش و تشنه قدرت بشتابند، سوگند که از لوله های تفنگ های شان قدرت سیاسی خلق و دولت تمام عیار خلق بیرون می شود. امرالله، عبدالله و بسم الله با لنده غران سادیسیت، بی سواد، غیر ملی و غیر مدنی و مجنون شان خس های روی آب اند که با سیلاب تند خشم خلق به آسانی نابود می شوند.

هموطن!

اگر می خواهید بگوئید که از جنگ و خون ریزی خسته شده اید سخت در اشتباه هستید، زیرا هر روز این شما هستید که متحمل خسارات می شوید و قربانی می دهید. در بیشتر از سه دهه قیل این شما بودید که قربانی و کشته دادید. اگر خواهان نابودی وطنفروشان و مجرمان جنگی هستید سکوت طولانی را بشکنید و با سکوت تان در بقاء و هستی جنایتکاران کمک نکنید. با تمام ابزار در دست داشته به پا خیزید و تفنگ های تان را پاک و صیقل دهید، زیرا میهن تاریخی تان و سرنوشت خود تان در معرض خطر جدی قرار دارد. یک بار جانانه به پا خیزید، برزمید و سالیان درازی را با سربلندی و سعادت زیست کنید زیرا زیستن در اسارت مایه ننگ افغان است و بدون جنگ حق به حقدار نمی رسد.

به پاخیزید، هم خود و هم کشور خود را از این بن بست تاریخی و فلاکت برهانید چرا که شما سردار آزادگان هستید.

میرویس ودان محمودی